

عنوان:

آسیب شناسی فرقه وهابیت

نویسنده(گان):

مصطفی دلاورپور اقدم

مقدمه

یکی از کاستی های زیربنایی مقابله موثر با تهدیدات نرم، نبود برنامه ای مدون و سیاستی منسجم در ساختار حقوق امنیت ملی و برخوردهای مقطعی و سلیقه ای با آینده های ناتوی فرهنگی است، که پیش زمینه آنها از جنس تهدیدهای نرم به شمار می روند. در این راستا یکی از مهم ترین آینده های نرم افزاری امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ایجاد و گسترش فرقه های ضاله، همانند فرقه مانند وهابیت و بهائیت است، که مهار آن مستلزم جریان شناسی و ریشه یابی شکل گیری فرقه های ضاله و تبیین بسته سیاستی منسجم برای مقابله موثر با جریان های انحرافی در حوزه دین و از بین بردن خرافه ها و موهومات است، بطوری که در بند چهار سیاست های کلی برنامه پنجم نیز بر لزوم اجرای آن تاکید شده است. به عبارتی، بررسی دورنمای جنس، نوع و کیفیت تهدیدهای بالقوه و راهبردی فراروی نظام در بازه زمانی برنامه پنجم، بیانگر این است که آینده های تهاجم نرم در بخش اندیشه های الحادی از پتانسیل لازم برای تبدیل شدن به یکی از تهدیدهای راهبردی و زیربنایی برخوردارند، که مدیریت پیش رویدادی آن مستلزم حداکثرسازی انسجام فکری رویه ای متولیان امر برای تدوین نقشه راهی است که در آن جهت گیری و سیاست های نهادهای مرتبط مشخص شده باشد، در غیر این صورت آینده های نرم افزاری در حوزه فرقه سازی به یکی از حوزه های چالش محور توسعه پایدار امنیت ملی مبدل خواهد شد.

گفتار اول: کاستی های فراروی ریشه کنی بنیادین فرقه های الحادی

مهم ترین کاستی های مقابله موثر با فرقه های الحادی عبارتند از :

۱. نبود سیاست قومی فرقه ای منسجم در ساختار مدیریت استراتژیک

امنیت ملی

یکی از موانع فراروی توسعه اثربخشی سیاست های مرتبط با مهار اندیشه های الحادی، نبود بسته سیاستی قومی فرقه ای یکپارچه در راهبرد امنیت ملی است. تبلیغ و ترویج وهابیت در زیرمجموعه ساختار تهاجم نرم، با رویکرد ایجاد تنش های فرقه ای در استان های مرزی، تضعیف یکپارچگی سرزمینی و هویت های ملی سازماندهی می شوند، که در مطالعات امنیت ملی مبتنی بر «راهبرد امنیتی قورباغه» (گرم شدن تدریجی ظرف) و پیاده سازی «دکترین دولت ورشکسته» است، که ارتباط نزدیکی با وقوع بحران های پنجگانه «لوسین پای» (۱) دارد؛ زیرا حامیان این نظریه معتقدند : فرقه سازی با رویکرد تنش زایی چندبعدی در کشورهایی که مورد تهاجم براندازی نرم هستند می تواند مقدمه وقوع بحران های «مشارکت، مشروعیت، توزیع، هویت و نفوذ» (۲) را بوجود آورد. (۳)

در مطالعات امنیت ملی، استناد این راهبرد به قورباغه (حیوان دوزیست) به این دلیل است که اگر در حلقه های محاط ایران (استان های مرزی) آتش تنش و فتنه زیاد باشد، کانون تصمیم گیری نیز دچار استحاله و تغییر رفتار خواهد شد، که در قالب

راهبرد «تنش از بیرون، تغییر از درون» قابل تعریف است، که به وضوح می توان آن را در برخی تحرکات ایدئولوژیک های تروریستی نزدیک به وهابیت، مانند جندالشیطان، پژاک یا گسترش شیعه هراسی در استان های مرزی مشاهده کرد.

۲. وجود سیاست های جزیره ای و نبود یکپارچگی سیاستی برای مقابله با تهدیدهای نرم

یکی از شاخصه های که می تواند احتمال وقوع بحران هویت، تضعیف وحدت ملی و شکل گیری بحران های امنیت اجتماعی را موجب شود، وجود سیاست های جزیره ای در حوزه مدیریت پیشگیرانه تهدیدهای نرم است. به عبارتی، یکی از خلاءهایی که چگونگی رفع آن بایستی در بازه زمانی برنامه پنجم مورد تاکید متولیان امر قرار گیرد، «مهندسی راهبردی امنیت نرم» است، که به مفهوم بررسی روش ها و ابزار واکنشینه کردن نظام در برابر آینده های نرم افزاری است که با هدف بحران سازی اجتماعی سازماندهی می شوند. بحران سازی اجتماعی در قالب تهاجم نرم بیشتر بر قومیت ها، کارگران، دانشجویان، نخبگان، روزنامه نگاران و سرمایه داران متمرکز است، بطوری که دانشجویان، نخبگان و روزنامه نگاران با آفند تبلیغاتی نقض آزادی های مدنی و حقوق بشر؛ کارگران و دهک های متوسط و پایین جامعه از طریق بزرگ نمایی آسیب های اقتصادی و ناامنی شغلی؛ طیف سرمایه داران از طریق فقدان امنیت سرمایه گذاری و سرانجام، گروه های قومی فرقه ای با تبلیغ فقدان آزادی های مذهبی، نگاه تبعیض آمیز حاکمیت به آنها، عدم توجه دولت به توسعه استان های مرزی، تهییج ناسیونالیسم قومی و تبلیغ و ترویج فرقه های ضاله، بویژه وهابیت تحریک می شوند.

۳. نبود الگوی بومی پایدار برای مدیریت تهدیدهای نرم افزاری ناشی از فرقه های الحادی

مدل سازی، هزینه اجرا و پیاده سازی بسته های امنیتی مهندسی فرهنگی در برنامه های پنج ساله را کاهش می دهد، بطوری که دستیابی به الگویی پایدار و بومی (مهندسی معماری امنیت) از پارادایم های (الگوواره ها) غالب و یکی از ملزومات حسن اجرای قوانین بالادستی است که باعث می شود ساختارهای اطلاعاتی، امنیتی و دفاعی با اجتناب از اتخاذ سیاست های تک بعدی و جهت بخشی فکری رویه ای به چارچوب های ذهنی، با ضرب خطای استراتژیک کمتری نسبت به شناسایی، اولویت بندی و طبقه بندی تهدیدها، فرصت ها، آسیب ها و اتخاذ راهکار مناسب اقدام کنند.

تقسیم کار مناسب و متناسب میان نهادهای مرتبط، یکی از مزایای مدل سازی برای خلاءهای سیاستی است؛ زیرا بهینه سازی تصمیم گیری های استراتژیک، باعث پیشگیری از کاریست مدل آزمون و خطا در حوزه مدیریت نرم افزاری امنیت می شود.

گفتار دوم: پیامدهای گسترش فرقه ضاله وهابیت در محیط امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مهم ترین پیامدهای امنیتی سیاسی گسترش فرقه ضاله وهابیت از رویکرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از :

۱. یارگیری نهادهای جاسوسی مخالف نظام از بیروان فرقه ضاله وهابیت

نگاه سطحی به دورنمای آسیب های نرم افزاری ناشی از تحرکات وهابیون در ایران می تواند این فرقه ضاله را به گروه فشار یا ابزار جاسوسی برخی کشورهای منطقه تبدیل کند، که بایسته است مورد توجه نهادهای اطلاعاتی امنیتی قرار گیرد، بویژه اینکه، یکی از اهداف راهبردی حامیان این فرقه تاسیس یا نفوذ بر مدارس مذهبی اهل سنت، بویژه در استان های مرزی در جهت ترویج عقاید ضد شیعی است. به عنوان

مثال، سازمان اطلاعات و امنیت رژیم صهیونیستی (موساد) با احداث و راه اندازی يك مركز آموزشی در حوالی شهر چمن افغانستان، نیروهای مخالف جمهوری اسلامی ایران را آموزش می دهند که برخی اعضای آن از وهابیون و سپاه صحابه هستند که دارای اندیشه های افراطی ضد شیعی می باشند. یکی دیگر از تدابیر مدیریت امنیت نرم افزاری در حوزه تهدیدهای فرقه ای، آسیب شناسی گسترش تفکرات وهابیت و تاثیر آن بر شکل گیری سازمان های تروریستی واقع در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. جهت گیری و مرامنامه عقیدتی سیاسی اکثر سازمان های تروریستی مستقر در شرق ایران مبین تاثیرپذیری بالای آنها از بنیان های نظری وهابیت است.

۲. افزایش پتانسیل شکل گیری گروهك های تروریستی ضد شیعی نزدیک به وهابیت

برخی سازمان های تروریستی ضد شیعی، بویژه در پاکستان، بخش مهمی از نیروهای خود را از «مدارس مذهبی اسلامی» (۴) پاکستان و جهادگران سایر کشورها جذب می کند، که براساس «قانون شریعت» (۵) توسط لشکر طیبه (جماعه الاسلامیه) پایه گذاری شده اند، که که با گذشت زمان، نقش وهابیون سلفی عربستان و امارات بر این مدارس و نیز نفوذ آنها میان برخی شاخه های القاعده؛ مانند جنرالشیطان (گروه تروریستی عبدالملك ریگی) در حال افزایش است. این مدارس بیشتر در «مناطق قبیله ای» بویژه سه استان وزیرستان، بلوچستان و سرحدات پیشاور متمرکزند و طلاب های خود را بیشتر از ملیت های ازبک، تاجیک، چچن و عرب گزینش می کنند که این افراد در بازگشت به کشورهای خود در آسیای میانه، به سر و جان فرقه ضاله وهابیت تبدیل شوند.

وهابیون امارات و عربستان با سرمایه گذاری بر مدارس مذهبی اهل سنت پاکستان و ترویج تفکرات وهابیت می توانند در آینده، زمینه ایجاد و افزایش سازمان های مسلحانه فرقه ای را بوجود آورند، که با توجه به پارادوکس عقیدتی سیاسی آنان با حکومت شیعی جمهوری اسلامی ایران می تواند زمینه شکل گیری برخی تهدیدهای نرم در حوزه اندیشه را فراهم آید.

۳. تضعیف وحدت ملی

با توجه به نقش مذهب به عنوان یکی از ریشه های وحدت ملی، متولیان امر بایستی تهدیدهای نرم ناشی از فعالیت های تبلیغاتی فرقه های ضاله، بویژه وهابیت در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران را در قالب مدیریت استراتژیک امنیت ملی آسیب شناسی

۴. تضعیف شاکله همبستگی فکری عقیدتی جهان اسلام

یکی از ترفندهای ناتوی فرهنگی این است که آنها اقدام ها و تفکرهای خصمانه وهابیون را به اهل سنت تعمیم می دهند تا ضربه وحدت شیعه و سنی را کمزنگ کنند؛ زیرا زیربنای عقیدتی پیروان اهل سنت و مذاهب فقهی شافعی، مالکی، حنبلی و حنفی با مرامنامه گروه تکفیری وهابیت متفاوت است. پیروان شافعی، مالکی، حنبلی و حنفی از مذاهب فقهی اهل تسنن هستند، که با مرامنامه تکفیری وهابیون متفاوت است. به عنوان مثال: وهابیون، شیعیان را به عنوان کافر معرفی می کنند، در حالی که پیروان اهل سنت چنین دیدگاهی را نسبت به شیعیان ندارند.

۵. احتمال شکل گیری برخی تنش های فرقه ای در استان های مرزی

یکی از تهدیدهای راهبردی، رخنه فرقه ضاله وهابیت این است که می تواند در بازه زمانی برنامه پنجم پتانسیل وقوع برخی تنش های فرقه ای را در استان های سنی

نشین جمهوری اسلامی ایران، مانند کردستان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان
وجود آورد.

۶. افزایش تحرکات ایدایی علیه اتباع ایرانی در پاکستان
گسترش افراط گرایی فرقه ای بویزه آموزه های وهابیت می تواند، تهدیدهایی را
برای اتباع ایرانی بوجود آورد که از مصادیق آن می توان به ترور صادق گنجی (مدیر خانه
فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در لاهور) در آذر ۱۳۶۹ یا پنج ایرانی در سال ۱۳۷۶
توسط گروه های تندرو وهابی اشاره کرد.
گفتار سوم: بایسته های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در قبال فرقه ضاله
وهابیت

به منظور توسعه زیربنایی ظرفیت های امنیت نرم نظام در قبال آینده های فرقه ضاله
وهابیت، بایسته است که ساختارهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران
تدابیر زیر را مورد توجه قرار دهند :

۱. تبیین بسته سیاستی منسجم برای مهار تهدیدهای نرم افزاری در فضای مجازی

یکی از ظرفیت های مدیریت استراتژیک امنیت نرم، کاربست مناسب فناوری های
نوین برای ارتقای ضرایب انتظامی امنیتی در فضای مجازی است.
به عنوان مثال، بخش مهمی از تبلیغات رسانه ای فرقه وهابیت، در فضای مجازی
سازماندهی می شود و اتخاذ تدابیر مناسب و تبیین بسته سیاستی منسجم برای
مقابله با آینده های تضعیف کننده وحدت ملی در فضای سایبر می تواند نقش مهمی را
در مدیریت پیش رویدادی پیاده نظام های ناتوی فرهنگی در حوزه اندیشه ایفا نماید.

۲. تبیین نظام جامع دیپلماسی فرهنگی در ساختار امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

دیپلماسی فرهنگی، آن بخش از کاربزه های فرهنگی است که بصورت مستقیم یا
غیر مستقیم بر ضرایب امنیت ملی و یکپارچگی هویتی تاثیرگذارند.
با توجه به اینکه، طبق رهنمودهای رهبر فرزانه انقلاب ناتوی فرهنگی دشمن به
یکی از آینده های مهم تهاجم نرم تبدیل شده، بایسته است متولیان امر با تبیین نظام
جامع دیپلماسی فرهنگی عمق استراتژیک اقتدار نظام در خارج از کشور را افزایش
دهند. در این میان نقش وابسته های فرهنگی سفارتخانه های جمهوری اسلامی
ایران بسیار پررنگ است. وابسته های فرهنگی نقش يك فیلتر را در جلوگیری از تهاجم
نرم یا شناساندن چهره واقعی سازمان های تروریستی وابسته به فرقه ضاله وهابیت
ایفا می کنند.

۳. تهیه جدول نقشه ریسک سازمان های تروریستی نزدیک به اندیشه های وهابی

یکی از لازمه های مدیریت استراتژیک امنیت نرم در برنامه پنجم و افق ایران ۱۴۰۴،
رصد، اولویت بندی و تهدیدسنجی آینده های نرم افزاری است که می تواند از جانب
برخی سازمان های تروریستی فرقه گرای مستقر در محیط امنیت ملی جمهوری
اسلامی ایران بوجود آید. به همین منظور، ساختارهای اطلاعاتی، امنیتی، نظامی و
انتظامی، بایسته است با رویکرد امنیت پژوهی استراتژیک، ضمن آسیب شناسی
شطرنجی چینش سازمان های تروریستی فرقه گرا در محیط امنیت خارجی، راهبرد
منسجمی را برای مقابله با آسیب های احتمالی تبیین کنند. در این راستا تهیه جدول
ریسک آمایش گروه های تروریستی در محیط امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نقش
مؤثری را در بهینه سازی مدیریت استراتژیک تهدیدات نرم ناشی از سازمان های
تروریستی فرقه گرا ایفا می کند. بویزه اینکه جهت گیری و مرامنامه عقیدتی سیاسی
اکثر سازمان های تروریستی مستقر در شرق ایران، مبین تاثیرپذیری بالای آنها از بنیان

هاي نظري وهابيت است. به عنوان مثال زيربناي عقيدتي گروهك تروريستي جندالشيطان براساس آموزه هاي وهابيت و سلفي گري بنيان گذاشته شده و شيوه هاي عملياتي آنان همانند سازمان القاعده است. اين گروه به عنوان شاخه القاعده در ايران و به رهبري عبدالملك ريگي در استان بلوچستان پاكستان متمرکز بوده و براي عوام فريبي و مشروعيت بخشي به اقدام هاي تروريستي، نام جندالله را براي خود برگزيده و در ۲۷ آذر ۱۳۸۵ با ادعاي حمايت از مطالبات اهل سنت بلوچستان، نام خود را به «جنبش مقاومت مردمی ايران» تغيير داد. لشگر طيبه و سپاه صحابه نيز دو سازمان تروريستي ضد شيعي و نزديك به وهابيون هستند، كه نگاه سطحي به تحركات ايدايي آنان مي تواند تهديدهايي را براي اتباع ايراني مقيم پاكستان بوجود آورد. نکته قابل تامل، ارتباط ميان گروهك تروريستي منافقين (سازمان مجاهدين خلق) با برخي سازمان هاي تروريستي وهابيون است. در همين رابطه، شاهزاده عربستان سعودي «بندر بن سلطان» كه به مدت ۲۰ سال سفير عربستان در آمريكا بود و به حمايت از گروه هاي تروريستي القاعده و فتح الاسلام شهرت دارد، در سال ۱۳۸۶ با حضور در كنگره مجاهدين خلق، مبلغ ۷۵۰ هزار دلار به اين گروه تروريستي كمك كرد. در اين كنگره كه در پادگان اشرف برگزار شد شماري از سران حزب بعث، ماموران اطلاعاتي و شماري از اعضاي القاعده و انصار السنه نيز حضور داشتند. نقشه جامع جدول ريسك گروهك هاي تروريستي داراي تفكرات وهابي گري در محيط امنيت ملي جمهوري اسلامي ايران را مي توان بصورت زير نشان داد :

نقشه ريسك سازمان هاي تروريستي وهابيون واقع در محيط امنيتي جمهوري اسلامي ايران

نام گروه بنيانگذار كانون تركز هدف ابزار مبارزاتي درجه ريسك
القاعده اسامه بن لادن استان هاي مرزي افغانستان و پاكستان (وزيرستان، بلوچستان و سرحدات پيشاور) - حمله به نيروهاي آيساف و ايالات متحده در خاورميانه - مقابله با جنبش هاي شيعه آدم ربايي، گروگانگيري، انفجار اتومبيل هاي بمب گذاري شده و عمليات هاي انتحاري بالا
جندالشيطان عبدالملك ريگي پاكستان (مناطق قبيله اي استان بلوچستان) ادعاي حمايت از مطالبات اهل سنت بلوچستان گروگانگيري، عمليات هاي انتحاري بالا
لشگر طيبه حافظ محمد سعيد شهر هریدكه حوالي لاهور (مجموعي پنج هزار نفري با ۱۲۵ هكتار وسعت) استقلال جامو و كشمير از هند و پاكستان عمليات هاي نظامي در كشمير متوسط سپاه صحابه مولانا حق نواز جهنگوي هند و پاكستان (ايالت پنجاب) - مقابله با آموزه هاي شيعي انقلاب اسلامي ايران
- مبارزه با گروه شيعه تحريك جعفري
- حمله به شيعيان و ايرانيان مقيم پاكستان بمبگذاري و عمليات هاي انتحاري متوسط

انصار الاسلام ملا كريكار (نجم الدين فرج احمد) عراق (سه استان كردنشين سلیمانیه، اربيل و دهوك) ايجاد و گسترش قانون شريعت در ناحيه خودمختار كردستان و در نهايت كل عراق - انتشار افكار وهابيت در كردستان ايران و عراق از طريق توزيع كتب و نشریاتي به زبان هاي كردي، فارسي و عربي
- عمليات انتحاري يا انفجار اتومبيل بمب گذاري شده عليه اتحاديه ميهني كردستان و سربازان نيروهاي ائتلاف پايين

۴. تبیین سند جامع مدیریت دانش پیشگیری از تهدیدهای فرقه ای

يکي از سازوكارهاي مدیریت نرم افزاري تهديدهاي فرقه اي، تقويت بنیان هاي مدیریت دانش و توسعه زيربنايي پژوهش هاي تقينتي و عملياتي در حوزه تحليل چيستي، چرایی، آسیب شناسی و نحوه مقابله با آیندهاي فرقه اي با حداکثر هم انديشي ميان كانون هاي علمي و مطالعاتي است. در اين راستا روشنگري چهره هاي شاخص حوزه علميه قم و شناساندن ابعاد فرقه ضاله وهابيت در سند چشم انداز مطالعاتي حوزه، نقش مهمي را در مقابله با تبليغ و ترويج فرقه ضاله وهابيت ايفا مي کند.

رویکرد متولیان امر برای مقابله با آینده‌های امنیت ملی در حوزه فرقه‌های ضاله بایستی از شنش مشخصه همسویی با اسناد بالادستی، فرابخشی، کلان‌نگری، راهبردی، هدف محوری (انسجام فکری) و برنامه محوری (ثبات رویه‌ای) برخوردار باشد و هر گونه نگاه سطحی برای مهار «آفندهای نرم افزاری چندبعدی» (۶) در حوزه اندیشه می‌تواند ضریب اثربخشی سیاست‌های مقابله با فرقه‌های ضاله را کاهش دهد.

یکی از لازمه‌های مدیریت استراتژیک تهدیدهای نرم افزاری ناشی از افراط‌گرایی فرقه‌ای، نهادینه‌سازی پژوهش‌های قانونگذاری و آینده‌پژوهی عملیاتی براساس چهار پارامتر: اولویت‌سنجی، زمان‌سنجی، امکان‌سنجی و تهدیدسنجی است. برگزاری هدفمند همایش‌های منطقه‌ای با موضوع‌های فرقه‌ای، تقویت هم‌اندیشی و تعامل مثلث حوزه، دانشگاه و ساختارهای حاکمیتی، لحاظ کردن مطالعات قومی فرقه‌ای در نقشه جامع علمی کشور و ایجاد یا تقویت میز مخصوص مطالعات فرقه‌ای در وزارتخانه‌های اطلاعات، کشور، امور خارجه و سپاه پاسداران، نقش مهمی را در مدیریت پیشگیرانه تهدیدهای نرم افزاری ناشی از اندیشه‌های افراط‌گرایانه بویژه در شرق جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کند.

۵. بهره‌گیری مناسب از ظرفیت حوزه‌های علمی

آموزه‌های فرقه‌های ضاله وهابیت در حوزه جنگ اندیشه تعریف می‌شود. به همین منظور حوزه‌های علمی بایستی با گفتمان‌های فکری غالب بستر شناساندن چهره واقعی این گروه را بوجود آورند. توجه مدیران استراتژیک حوزه‌های علمی بویژه حوزه علمی قم به عنوان یکی از ارکان معماری مهندسی فرهنگی کشور به دورنمای اندیشه‌های فرقه‌ای مخرب و اتخاذ تدابیر بازدارنده مناسب در سند چشم‌انداز حوزه می‌تواند نقش مهمی را در پیشگیری از تهدیدهای نرم افزاری عقیدتی، واگرایانه فرقه‌ای و بالتبع تقویت وحدت ملی ایفا کند که تحقق آن مستلزم تعامل مستمر و بویا با شبکه کانون‌نخبگان حوزه و دانشگاه با هدف تبیین نقشه راه منسجم و استراتژیک در ساختار مدیریت نرم افزاری سند چشم‌انداز حوزه است. حوزه‌های علمی جمهوری اسلامی ایران همسو با نهادهای اطلاعاتی امنیتی نقش محوری را برای مقابله با عقاید انحرافی ایفا می‌کنند. به همین منظور حوزه علمی قم بایستی در تبیین سند چشم‌انداز حوزه، نوع، دامنه و عمق تهدیدهای ناشی از وهابیت در محیط امنیتی ایران را به دقت مورد کنکاش قرار دهد.

۶. تبیین نقشه راهبردی منسجم برای مهار آینده‌های تبلیغاتی شیعه هراسی و ایران هراسی

با توجه به اینکه شیعه‌هراسی به عنوان یکی از ابزارهای توجیهی وهابیون برای شیعه‌زدایی و مخالفت با نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده، شایسته است متولیان امر پاداستراتژی منسجمی را برای مهار و خنثی‌سازی آن مورد توجه قرار دهند که از مصادیق آن می‌توان به شناسایی دقیق ژئوپلیتیک شیعه در عمق استراتژیک خارجی و تهیه اطلس جغرافیایی پراکندگی شیعیان خاورمیانه اشاره کرد. در ساختار تهاجم نرم، مخالفان نظام با رویکرد حداکثر اثربخشی شیعه‌هراسی آن را توأم با ایران‌هراسی بکارگیرند. به عبارتی پیاده‌سازی نظام‌های ناتوی فرهنگی در حوزه اندیشه با تداعی شائبه برنامه ریزی راهبردی و کلان جمهوری اسلامی ایران برای مدیریت استراتژی جغرافیایی سیاسی شیعه در جهت ایجاد و گسترش فضای ناامنی میان کشورهای عرب منطقه برنامه ریزی می‌کند از لحاظ روانی نوعی فضای نگرانی میان کشورهای منطقه و بالتبع توجیه سرکوب آنان را فراهم کنند. مصداق عینی آن را می‌توان در همکاری دولت یمن و عربستان برای کشتار شیعیان زیدی یمن مشاهده کرد. در این راستا مخالفان نظام با تبلیغ حمایت نظامی مالی جمهوری اسلامی ایران از گروه الحوثی، برنامه ریزی کرده اقدام خود را در راستای صیانت از امنیت ملی توجیه می‌کنند.

۷. آسیب شناسی گسترش مدارس وابسته به وهابیت در عمق راهبردی شرق جمهوری اسلامی ایران

یکی از آینده‌های تهاجم نرم در حوزه اندیشه‌های الحادی که می‌تواند چالش‌هایی را برای توسعه مطلوب امنیت نرم در بازه زمانی برنامه پنجم بوجود آورد، افزایش تحرکات مخرب فرقه‌های ضاله در محیط امنیت داخلی و خارجی است. در این راستا وهابیون امارات و عربستان با سرمایه‌گذاری بر مدارس مذهبی اهل سنت پاکستان و ترویج تفکرات وهابیت می‌توانند در آینده زمینه ایجاد و افزایش سازمان‌های مسلحانه فرقه‌ای را بوجود آورند که با توجه به پارادوکس عقیدتی سیاسی آنان با حکومت شیعی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند زمینه شکل‌گیری برخی تهدیدهای نرم در حوزه اندیشه را بوجود آورد، بطوری که یکی از شاخص‌های امنیت ملی، گسترش تفکرات الحادی و سلفی و ارتباط آن با شکل‌گیری برخی تحرکات ایدئولوژیک، بطوریکه حمایت‌های مالی و معنوی برخی کشورهای عرب منطقه از برخی مدارس اهل سنت که با تمرکز بر گسترش آموزه‌های الحادی وهابیت بنیان گذاشته شده‌اند، می‌تواند بستر شکل‌گیری برخی آینده‌های عقیدتی در ساختار تهاجم نرم را بوجود آورد که در صورت نبود بسته‌های سیاستی منسجم می‌تواند هزینه‌های انتظام بخشی پلیس کشور و نهادهای امنیتی را افزایش دهد.

به عنوان مثال یکی از ریشه‌های گستره افزایش تنش‌های فرقه‌ای پاکستان؛ نبود نظارت کافی دولت مرکزی بر مدارس مذهبی اهل تسنن و نفوذ اندیشه‌های وهابی‌گری در این مدارس است که در صورت نبود راهبرد موثر می‌تواند نطفه شکل‌گیری برخی تهدیدهای عقیدتی را در شرق کشور با رویکرد تفرقه‌افکنی میان شیعه و سنی بوجود آورد. در این راستا وهابیون عربستان از شهریور ۱۳۶۸ به بهانه کمک‌های آموزشی و انسان‌دوستانه به مهاجران افغان در ایالت بلوچستان، مراکز متعددی تحت عنوان «موسسه الدعوة الاسلامیه»، «اداره الاسراء»، «موسسه مکه المکرمه الخیریه» و «موسسه مسلم» را تاسیس کرده و از طریق کمک‌های مالی، فرهنگ ضد شیعی وهابیت و سیاست‌های ضد ایرانی خود را تبلیغ می‌کند.

۸. آسیب شناسی گسترش فرقه ضاله وهابیت و تاثیر آن بر امنیت اتباع ایرانی در برخی کشورهای همسایه بسیاری از حوزه‌های علمی اهل سنت در ایالت پیشاور، سیالکوٹ، فیصل آباد، جهنگ و پنجاب توسط گروه تروریستی سپاه صحابه اداره می‌شوند که برای عملیاتی کردن اهداف خصمانه خود «لشکر جهنگوی» را تاسیس و مهمترین اهداف خود را مقابله با آموزه‌های شیعی انقلاب اسلامی ایران، مبارزه با گروه شیعه تحریک جعفری و حمله به شیعیان و ایرانیان مقیم پاکستان تعریف کرده‌اند.

عربستان سعودی نیز متاثر از آینده‌های شیعه‌هراسی و تاثیرپذیری از گروه‌های وهابی، اقدام‌های خشونت‌آمیزی را علیه شیعیان این کشور، زائرین ایرانی و با بهره‌گیری از قوه قهریه علیه شاخه زیدیه گروه الحوثی یمن بکار می‌گیرد.

۹. آسیب شناسی دیپلماسی رسانه‌ای در حوزه مدیریت پیشگیرانه تهدیدهای نرم

رسانه‌ها به دلیل اثرگذاری مستقیم بر روند هنجارسازی و فرهنگ‌سازی از ظرفیت بالایی برای مقابله با فرقه‌های الحادی برخوردارند. همچنین رسانه‌ها نقش مهمی را در نهادینه‌سازی هویت ایرانی اسلامی و بالتبع تقویت انسجام درون سیستمی ایفا می‌کنند. در این راستا بایسته است متولیان امر با تدوین نظام جامع رسانه‌ای کشور در مجلس شورای اسلامی، سیاست‌های زیربنایی و اصولی را برای مدیریت پیشگیرانه آینده‌های فرهنگی بویژه رخنه‌اندیشه‌های الحادی مانند فرقه ضاله وهابیت اتخاذ کنند.

۱۰. تبیین منشور جامع مهندسی فرهنگی کشور

یکی از لازمه‌های اثربخشی حداکثری سیاست‌های خرد و کلان نظام برای خنثی‌سازی پیشگیرانه آینده‌های اندیشه‌ای، توجه به ساختارگرایی در حوزه فرهنگ است. به عنوان مثال تکلیف‌گرایی نسبت به رهنمودهای مقام معظم رهبری پیرامون تبیین مهندسی فرهنگی کشور گام مؤثری برای مقابله با مصادیق تهاجم نرم محسوب می‌شود.

شود، زیرا باعث انسجام بخشی برنامه ای و سیاستی و پرهیز از اتخاذ سیاست های تک بعدی می شود. متولیان امر بایسته است سازوکارهای مقابله با فرقه های ضاله بویژه وهابیت را در ساختار نقشه جامع مهندسی فرهنگی کشور مشخص کنند، که در غیر این صورت به دلیل اتخاذ سیاست های جزیره ای و اقدام های موازی نمی توان راهکاری منسجم برای ریشه کنی تهدیدهای وهابیت تبیین نمود. به عبارتی دیگر رصد، اولویت بندی، تهدیدسنجی و آسیب سنجی پیاده نظام های ناتوی فرهنگی در حوزه اندیشه و تدوین منشور مهندسی فرهنگی، نقش مهمی را در یکپارچه سازی سیاست های جزیره ای، قاعده مند کردن سیاست های اجرایی و ارتقای اثربخشی پدافند نرم افزار ملی برای مقابله با فرقه ضاله وهابیت ایفا می کند.

۱۱. آسیب شناسی تهدیدهای فرقه ای و تاثیر آن بر وحدت ملی

با توجه به نقش مذهب به عنوان یکی از ریشه های وحدت ملی، متولیان امر بایستی تهدیدهای نرم ناشی از فعالیت های تبلیغاتی فرقه های ضاله بویژه وهابیت در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران را در قالب مدیریت استراتژیک امنیت ملی آسیب شناسی کنند. در این راستا یکی از کاستی های مقابله با آسیب های احتمالی گسترش فرقه ضاله وهابیت، فقدان راهبردی منسجم برای مهار آیندهای تبلیغاتی است که با رویکرد اختلاف زایی میان شیعه و سنی در قالب تهاجم نرم سازماندهی می شوند که از مصادیق آن می توان به اقدام تروریستی مورخ ۲۶ مهر ۱۳۸۸ مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران در به شهادت رساندن تعدادی از فرماندهان سپاه پاسداران در تدارک برگزاری همایش وحدت میان عشایر شیعه و سنی در منطقه سرپاز استان سیستان و بلوچستان یا به شهادت رساندن برخی علمای سنی کردستان اشاره کرد که این مسئله بیانگر این واقعیت هستند که چگونه تهدیدهای نرم در حوزه اندیشه های الحادی و فرقه های ضاله زمینه تبدیل شدن به تهدیدهای نیمه سخت را دارند.

۱۲. شناسایی کانون های رخنه فرقه وهابیت از رویکرد امنیت ملی

یکی از بایسته های مدیریت استراتژیک امنیت نرم، شناسایی حوزه های جغرافیایی است که بستر رخنه فرقه ضاله وهابیت در آنجا فراهم تر است که برخی مصادیق آن عبارتند از :

لبنان: جریان سلفی شام در دمشق توسط «ناصرالدین الالبانی» ظهور کرد. تفکر سلفی در اواخر دهه پنجاه توسط تعدادی از طلاب مراکز دینی عربستان به لبنان راه یافت که مهمترین آنها «شیخ سالم الشهاال» و «شیخ عبدالرزاق الزغبینی» بودند. سلفیون، با توسعه حوزه های علوم دینی و مسجد سازی در نواحی فقیرنشین شمال لبنان به تبلیغ عقاید سلفی اقدام می کنند، که آثار آن را می توان به وضوح در شکل گیری فتح الاسلام در اردوگاه نهرالبارد مشاهده کرد که توسط «ابوخلد العلمه» و «شاکر العیسی» تاسیس شد. العیسی در سال ۱۹۷۰ وارد سازمان الفتح شد ولی بعدها جزو گروه شورشی علیه عرفات درآمد و در سال ۱۹۹۰ به القاعده پیوست. عراق: یکی دیگر از مناطقی که زمینه رشد تفکرات وهابی در آن فراهم می باشد، کشور عراق است.

آسیای میانه: آسیای میانه به دلیل اطلاعات ناکافی مسلمانان، یکی از کانون های نفوذ وهابیت در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران است، که به وضوح می توان آن را در کشورهای، مانند ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان مشاهده کرد، که بستر شکل گیری برخی سازمان های بنیادگرای فرقه ای را بوجود آورده است. بویژه اینکه مناطقی همانند دره فرغانه که مشترک میان چند کشور است با افزایش گرایش های بنیادگرای سلفی روبرو شده که ضعف تدابیر امنیت مرزی این کشورها با افغانستان انتقال سریع تر بنیادگرایی سلفی به این مناطق را موجب شده است. استان های مرزی جمهوری اسلامی ایران: استان های مرزی جمهوری اسلامی ایران به دلایل وجود موزائیک های قومی فرقه ای، مجاورت سرزمینی با سازمان های تروریستی فرقه گرا و نبود بستره سیاستی فرهنگی، از حوزه های جغرافیایی هستند که در صورت فقدان پاداستراتژی مناسب می توانند در بازه زمانی برنامه پنجم، شاهد

شکل گیری رگه هایی از نفوذ فرقه ضاله وهابیت به شمار می روند. جزایر مرزی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس مانند قشم و کیش نیز که بدون تجهیزات ماهواره ای، برنامه رسانه های عربستان و امارات را مشاهده می کنند یکی دیگر از کانون های تهاجم فرقه ضاله وهابیت هستند.

پی	نوشت	ها	:
.۱	W.Pye	Lucian	
.۲	Participation, Legitimacy, Identity, Penetration & Disribution		
.۳	Weiner (1971), Myron "Crisis and Sequences in Political Development"		
	University Press	Princeton, P1	
.۴	School	Islamic Religious	
.۵	Law	Shariat	
.۶	Areas	Tribal	
.۷	عبدالحسین مشفق، فرقه وهابیت، پایگاه اطلاع رسانی شیعیان،		
	http://WWW.Shiayan.ir		
.۸	Multidimensional Software Offences		